

تدوین راهبرد منسجم اقتصادی مبتنی بر واقعیت‌های ملی،
منطقه‌ای و بین‌المللی برای تحقق آن ضروری است

عراق چشم به راه فرصت‌سازی ایران



کیهان برزگر

اقتصادی ایران در عراق جدید دارای محدودیت‌هایی نیز هست. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

● اول - حضور بازیگران رقیب ایران: از جمله این بازیگران می‌توان به ایالات متحده، ترکیه و اسرائیل اشاره کرد که به نوعی در آینده اقتصادی - عراق دارای نقش مهمی خواهند بود. هم‌اینک شرکت‌های آمریکایی در بخش نفت و گاز و شرکت‌های ترک در بخش ساخت و ساز و مواد غذایی از جمله موفق‌ترین شرکت‌های فعال خارجی به حساب می‌آیند حضور شرکت‌های اقتصادی اسرائیلی نیز در مناطق کردستان و در چارچوب استراتژی حضور فعال در مناطق غیرعرب صورت می‌گیرد. بی‌تردید حضور بازیگران رقیب، مانع اصلی در گسترش فرصت‌سازی اقتصادی ایران در آینده به شمار می‌آید.

● دوم - عدم بهره‌برداری مناسب ایران از زمان و امکانات بالقوه برای پر کردن سریع خلاء اقتصادی عراق: این امر قبل از هر چیز به دلیل نگاه امنیتی و سیاسی ایران به عراق جدید است. به دلیل وجود تهدیدات امنیتی عراق جدید، عمده انرژی ایران همچنان بر محور فعالیت‌های سیاسی - امنیتی و پر کردن خلاء قدرت و سیاست در عراق جدید است. از نظر نویسندگان، تعارض در جهت‌گیری نقش و نفوذ در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، محور عمده چالش بین بازیگران اصلی صحنه عراق خواهد بود. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران باید از شرایط زمانی و مکانی به نحو احسن استفاده و به سرعت خلاء موجود را پر کند. برای مثال، وجود ناامنی به تبع عدم فعالیت گسترده شرکت‌های غربی، زمینه‌های مناسب حضور شرکت‌های ایران در عراق را فراهم می‌کند.

● سوم - عدم وجود استراتژی نظام‌مند اقتصادی برای حضور فعال و جدی در عراق جدید: هم‌اکنون حضور شرکت‌های ایرانی در عراق بر مبنای استراتژی منسجم و واحدی پیگیری نمی‌شود و هر سازمانی به طور مستقل و از کانال‌های غیر رسمی به فعالیت خود در عراق ادامه می‌دهد. بی‌تردید حضور همه‌جانبه و هدفمند، نیازمند اتخاذ یک استراتژی کلان و همه‌جانبه و با حمایت

مزیت‌ها و محدودیت‌هایی است. از جمله مزیت‌های ایران در جهت گسترش فعالیت‌های اقتصادی در عراق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

● هم‌مرزی جغرافیایی بین دو کشور: ایران و عراق دارای طولانی‌ترین مرزهای سرزمینی در منطقه هستند. ویژگی مرزهای دو کشور به گونه‌ای است که تقویت نیازها و ظرفیت‌های متقابل اقتصادی را ضروری می‌سازد. از جمله این مرزها و نقاط سرزمینی می‌توان به مرزهای آبی دو کشور در اروندرود و نقاط مرزی شلمچه، خسروی و مهران اشاره کرد. وجود ظرفیت‌های بالقوه گسترش اتصال خطوط آهن دو کشور، تقویت فعالیت‌های بندری و گسترش خطوط ارتباطی زمینی از جمله مزیت‌های ایران در عراق هستند.

● روابط خوب سیاسی با دولت عراق: هم‌اکنون دو کشور دارای روابط بسیار خوب سیاسی هستند. این امر خصوصاً با حضور اکثریت شیعه در رأس حکومت عراق و همچنین در پارلمان تقویت شده است. بر همین اساس چندین یادداشت تفاهم و قرارداد بازرگانی در زمان نخست‌وزیری ابراهیم جعفری بین دو کشور امضاء شده است.

● تشابهات فرهنگی و مذهبی و زبان: این مشابهت‌ها میان ایران و ملت‌های مختلف عراق از جمله شیعیان و کردها از زمان‌های گذشته وجود داشته است. هم‌اینک روابط ایران با شیعیان عراق در سطح بسیار خوبی قرار دارد و مناطق شیعه‌نشین به لحاظ قربان فرهنگی به نوعی به استفاده از کالا‌های ایرانی تمایل دارند. زبان مشترک فارسی بین اقوام کردنیز مورد دیگری از مزیت‌های ایران در فرصت‌سازی اقتصادی در عراق جدید است.

● دارا بودن ظرفیت‌ها، تجربه و تکنولوژی لازم: ایران می‌تواند از این ظرفیت‌ها برای پر کردن نیازهای فعلی جامعه عراق از جمله ارسال کالاها، مواد غذایی و خوراکی و فعالیت در بخش زیرساخت‌ها به خوبی بهره بگیرد. به خصوص در شرایطی که شرکت‌های اروپایی به دلیل بی‌ثباتی اوضاع هنوز به طور کامل وارد بازار عراق نشده‌اند.

در مقابل مزیت‌های فوق، گسترش فرصت‌سازی

استراتژی اقتصادی ایران در عراق جدید

تحولات سیاسی جدید در عراق در زمینه‌های مختلف سیاسی - امنیتی و فرهنگی و اقتصادی، روابط جمهوری اسلامی ایران با این کشور را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از ابعاد مهم این تحولات در حوزه اقتصادی است که منجر به فراهم شدن زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی در روابط دو کشور شده است. در این مقاله نویسنده استدلال می‌کند که فرصت‌سازی زمینه‌های اقتصادی ایران در عراق جدید نیازمند تعریف یک استراتژی منسجم و نظام‌مند اقتصادی مبتنی بر واقعیات جدید داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.

محور اصلی در پیگیری این استراتژی اقتصادی نیز باید مبتنی بر ایجاد وابستگی متقابل بین ظرفیت‌های اقتصادی دو کشور باشد. این استراتژی نه تنها زمینه‌ها و فرصت‌سازی اقتصادی ایران در عراق جدید را فراهم می‌کند، بلکه به نوبه خود زمینه‌های تهدیدات سنتی سیاسی - امنیتی را نیز رفع می‌کند.

استراتژی اقتصادی ایران در عراق؛ مزیت‌ها و محدودیت‌ها

هدف استراتژی اقتصادی ایران باید مبتنی بر اصول زیر باشد:

اول - ایجاد حلقه‌ها و اتصالات استراتژیک سرزمینی و زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطاتی دو کشور؛
دوم - مشارکت شرکت‌های خصوصی و بازرگانان ایرانی در اقتصاد عراق و از این طریق گسترش تعاملات اقتصادی؛
سوم - گسترش سرمایه‌گذاری و ایجاد مناطق فعال و پویای اقتصادی در طول مرزهای مشترک ایران و عراق در جهت آسیب‌پذیری متقابل و از این طریق رفع تنش‌های آینده؛

بی‌تردید در دستیابی به هدف‌های فوق، ایران دارای

سازمان های دولتی مبتنی بر دستیابی به بازارهای اقتصادی عراق است.

سابقه تبادلات اقتصادی ایران و عراق

سابقه تبادلات اقتصادی بین ایران و عراق به قرن ها قبل برمی گردد؛ زمانی که مبادلات تجاری و اقتصادی به طور منظم میان دو منطقه بین النهرین و فلات ایران جریان داشت. عنصر تقویت روابط تجاری و بازرگانی بین دو کشور، بسیاری از بازرگانان ایرانی بودند که در منطقه بین النهرین زندگی می کردند و نقش مهمی در تبدیل این منطقه به مسیر ترانزیتی کالاهای وارداتی - صادراتی ایران داشتند. همچنین وجود مراکز مذهبی و حوزه های علمی و راه های تجاری به سوی غرب و مجاورت با مراکز بزرگ تجاری خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله عواملی بودند که تداوم نقش بین النهرین در اقتصاد و بازرگانی خارجی ایران را طی قرون متمادی سبب می شدند.

تداوم روابط اقتصادی بین دو کشور در قرن بیستم نیز با فراز و نشیب هایی تداوم یافت. سه دوره روابط اقتصادی در قرن بیستم بین دو کشور قابل دسته بندی است:

دوره اول، سال های ۱۹۵۸ - ۱۹۲۰ که دوره همکاری و تفاهم نسبی است. در این دوره، وجود نظام های پادشاهی در هر دو کشور سبب نوعی تداوم روابط اقتصادی در ایران و عراق شده بود.

دوره دوم، سال های ۱۹۸۸ - ۱۹۵۸ را شامل می شود که ویژگی آن کشمکش و خصومت سیاسی بین دو طرف بود. خصومت سیاسی در این دوره، به تبع، بر روابط اقتصادی دو طرف نیز تأثیر منفی گذاشت. البته در فاصله سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ مواردی از همکاری های اقتصادی بین دو طرف قابل مشاهده بود. دوره سوم سال های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۳ را در بر می گیرد.

این دوره، دوره ابهام نامیده می شود. در واقع به دلیل وجود فضای بی اعتمادی و سوءظن و سابقه جنگ، نوع روابط اقتصادی دو طرف نیز در پرده ای از ابهام قرار دارد.

دوره چهارم سال های بعد از ۲۰۰۳ تاکنون را شامل می شود. در طی چند سال اخیر تغییر رژیم بعثی صدام حسین زمینه های طبیعی و مشترک روابط اقتصادی بین دو کشور را فراهم کرده است. این امر البته بیشتر مربوط به صادرات کالاهای ایرانی به عراق و در طول مرزهای دو کشور است. این امر به دلیل شرایط جنگی و محدودیت های اقتصادی عراق زمینه ها و فرصت های لازم را برای بازرگانان و شرکت های تجاری ایرانی فراهم کرده است. برای سالیان دراز وجود حکومت بعثی

و محدودیت های ایجاد شده از سوی این رژیم در گسترش تبادلات اقتصادی با ایران، همچنین تضادهای سیاسی بین ایران و عراق، مانع اصلی گسترش روابط اقتصادی و فرصت سازی بین دو کشور بوده است. علی رغم زمینه های فرهنگی، شرایط طبیعی اتصال جغرافیایی، به صرفه بودن تجارت، مکمل بودن بازارهای مصرفی و ... رژیم بعثی عراق تمایل چندانی به گسترش روابط اقتصادی با ایران نشان نمی داد. به همین دلیل به طور سنتی اقتصاد عراق از طریق اردن به جهان عرب و از طریق ترکیه به اروپا و جهان غرب متصل می شد. در طی دهه ۱۹۸۰ مرادوات اقتصادی بین عراق و اردن به حدی رسید که اردن به بزرگترین شریک تجاری عراق تبدیل گردید. نقطه اتصال استراتژیک تبادلات اقتصادی نیز بندر عقبه در اردن بود که از طریق خطوط زمینی (بزرگراه سرتاسری بغداد - امان - عقبه) و ریلی به بغداد وصل می گردید. در واقع عراق به دلیل محدودیت های ناشی از جنگ در منطقه خلیج فارس قادر به استفاده از راه های



ویژگی مرزهای دو کشور به گونه ای است که تقویت نیازها و ظرفیت های متقابل اقتصادی را ضروری می سازد

این منطقه به مدت دو دهه نبود. تبادلات اقتصادی عراق و ترکیه نیز در طول سال های فوق حجم قابل توجهی را شامل می گردید. در این دوران عراق سعی کرد تا اقتصاد خود را از طریق ترکیه به بازارهای اروپا و غرب وصل کند. بهره گیری از خطوط انتقال نفت عراق از طریق ترکیه یکی از مثال های عمده در این زمینه به شمار می آید. همچنین حضور و فعالیت گسترده بازرگانان و شرکت های تجاری ترک در زمینه تأمین مواد غذایی و سایر اقلام اقتصادی در طول سال های فوق قابل توجه است.

در شرایط حاضر با رفع محدودیت های سابق و همچنین ظرفیت های گسترده و بالقوه اقتصاد عراق، گسترش فعالیت ها و تبادلات اقتصادی با مناطق شرقی و ایران، به دلیل وجود مزیت های طبیعی و تناسب لازم،

میدان مناسبی برای فرصت سازی اقتصادی ایران فراهم شده است. تقویت تبادلات اقتصادی نه تنها فرصت های مناسب برای شرکت ها و تجار ایرانی برای حضور فعال در بازارهای مصرفی عراق را فراهم می سازد، بلکه سبب تقویت روابط استراتژیک و یا حداقل رقابت سازنده و خروج از بی اعتمادی متقابل بین دو کشور نیز می شود. این امر به نوبه خود یکی از مهمترین زمینه تنش در سطح روابط منطقه ای را برطرف می کند.

۳- زمینه های فعالیت اقتصادی ایران در عراق جدید

در مقدمه "استراتژی توسعه ملی عراق"، مصوب ژوئن ۲۰۰۵، آمده است که به دلیل سوء مدیریت و سیاست های رژیم بعثی در طول ۴۰ سال گذشته، عراق، که زمانی خودکفای، برخوردار از منابع و ثروت عظیم نفتی، بخش خصوصی پویا، جمعیت تحصیل کرده و ماهر بود و به تبع می بایست یکی از جوامع پیشرفته منطقه خاورمیانه باشد، به یکی از کشورهای عقب مانده از لحاظ شاخص های اقتصادی و توسعه انسانی تبدیل شده است. بر این اساس، هدف استراتژی توسعه ملی عراق (NDS) بازگرداندن عراق به جایگاه واقعی خود در منطقه خاورمیانه است.

براساس استراتژی جدید:

"عراق باید به یک دموکراسی متحد فدرال و یک اقتصاد پیشرفته مبتنی بر بازار تبدیل گردد که در اقتصاد جهانی ادغام شده باشد." استراتژی توسعه عراق دارای چهار هدف اساسی است:

- ۱- تقویت بنیادهای رشد اقتصادی؛
 - ۲- ایجاد پویایی و حرکت در بخش خصوصی؛
 - ۳- بهبود کیفیت و استاندارد زندگی؛
 - ۴- توسعه و تقویت مدیریت صحیح و برقراری امنیت.
 - ۵- براساس "استراتژی توسعه ملی عراق" دسترسی به هدف های فوق نیازمند مشارکت و حضور اجرایی تمامی مناطق عراق در روند توسعه ملی عراق است. این هدف ها از راه های زیر تحقق می یابند:
- ۱- خروج از سیستم مدیریت اقتصادی متمرکز که اساس سیاست اقتصادی حکومت سابق را شکل می داد؛
 - ۲- استفاده از حکومت های محلی در مشارکت، سازماندهی، اولویت دهی و اجرای طرح های توسعه؛
 - ۳- توزیع منابع سرمایه گذاری به طور مساوی میان مناطق مختلف بر پایه میزان جمعیت آن ها؛
 - ۴- تشویق سرمایه گذاران خارجی به سرمایه گذاری با

و زیر در مناطق جنوبی قرار دارند می‌توانند زمینه‌های فرصت‌سازی از طریق اتصال خطوط انتقال گاز دو کشور را فراهم کنند. این طرح می‌تواند از طریق انتقال گاز عراق از طریق ایران به منطقه قفقاز و یا در آینده به اروپا مورد بهره‌برداری قرار گیرد. براساس «استراتژی توسعه ملی»، عراق (همانند ایران) برنامه‌های دراز مدتی را طراحی کرده تا زمینه‌های صدور و تولیدات گاز طبیعی خود را افزایش دهد و از این طریق وابستگی خود به صدور نفت را کاهش و بیشتر از آن در تولیدات پتروشیمی استفاده کند.

● بازسازی و ساخت شبکه‌های انتقال و توسعه منابع آبی عراق سرزمینی با منابع فراوان آبی است. اما به دلیل عدم مدیریت منابع آبی این کشور حجم عظیمی از این منابع هر ساله به هدر می‌رود. در این زمینه ایران می‌تواند از فرصت پیش آمده استفاده کند و از نیروهای متخصص و با تجربه خود در زمینه احداث و انتقال کانال‌ها و مخازن آبی بهره بگیرد. یکی دیگر از فعالیت‌های حائز اهمیت در این بخش، سرمایه‌گذاری ایران در احداث کارخانه‌های آب معدنی و صدور منابع آبی عراق است که با توجه به تقاضاهای متعدد کشورهای همسایه عراق به خصوص منطقه خلیج فارس می‌تواند منبع درآمد مهمی برای این کشور باشد.

● بازسازی و ساخت شبکه‌های حمل و نقل جاده‌ای و راه‌آهن

وضعیت نقاط اتصال راه‌های ارتباطی بین ایران و عراق در شرایط نامطلوبی قرار دارد. این امر بیش از هر چیز به دلیل حضور رژیم بعثی و تنش در روابط دو جانبه بود، چه با وجود اشتراکات فرهنگی و مذهبی، و به تبع آن نیاز شدید به تردد در خطوط حمل و نقل مناسب، چنین مراداتی صورت نمی‌گرفت. در شرایط جدید با توجه به باز شدن مرزها و تسهیل تردد شهروندان دو کشور، ایجاد شبکه‌های بزرگراهی بین شهرهای عمده ایران و عراق امری ضروری است. در زمینه فعالیت‌های مربوط به ترانزیت نیز اتصال خطوط آهن دو کشور می‌تواند نقش مهمی در اتصال اقتصادهای دو کشور و از آن طریق اتصال اقتصاد عراق به منطقه آسیای جنوبی و آسیای مرکزی و قفقاز داشته باشد. در این زمینه طرح‌های اجرایی اولیه برای اتصال محور راه‌آهن خرمشهر، شملجه، بصره و محور راه‌آهن اراک، کرمانشاه، خسروی به محور خانقین، بغداد صورت گرفته است. با

بخش‌ها می‌توان به کارخانه‌های مربوط به انرژی آبی (ساخت سد)، انرژی حرارتی با سوخت گاز و نفت و انرژی باد اشاره کرد. با توجه به تجربه‌های گرانبهای ایران در احداث نیروگاه‌های فوق در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، ایران می‌تواند از این مزیت، به خصوص در شرایط نیاز شدید عراق، استفاده مطلوب نماید. محدودیت مربوط به تأمین منابع برق و الکتریسته یکی از مشکلات جدی و روزانه مردم عراق در شرایط حاضر است. از مجموع ۸۰۰۰ مگاوات مصرف برق، طبق آمارهای تابستان ۲۰۰۵، عراق تنها از امکان تولید ۴۰۰۰ الی ۵۰۰۰ مگاوات برخوردار است. با توجه به محدودیت‌های فصلی عراق در تأمین میزان مصرف داخلی، ایران می‌تواند منبع بسیار خوبی برای تأمین منابع برق عراق باشد.

● بازسازی و ساخت شبکه‌های انتقال انرژی نفت و گاز این امر با توجه به ذخایر عظیم نفت (۱۱۵ میلیارد بشکه) و گاز (۱۱۰ تریلیون فوت مکعب) عراق، می‌تواند در زمینه‌های مربوط به ساخت لوله و انتقال انرژی صورت پذیرد. اکنون توافقات اولیه برای طرح احداث خطوط دو جانبه انتقال نفت از طریق مرزهای شرقی عراق به پالایشگاه آبادان ایران به منظور انتقال روزانه ۳۵۰ هزار بشکه نفت از عراق به ایران انجام شده است. همچنین ذخایر گاز طبیعی عراق که عمدتاً در مناطق کرکوک، عین زاله، باتما در مناطق شمالی و حوزه‌های نفتی رمیله

اعطای منابع مالی در مناطق مختلف در چارچوب بودجه ملی.

بی‌تردید دستیابی به اهداف NDS نیازمند کمک همه‌جانبه جامعه بین‌المللی و مهمتر از همه کمک همسایگان عراق است. در میان همسایگان عراق، جمهوری اسلامی ایران به دلیل ویژگی‌های خاص جغرافیایی، ظرفیت‌های اقتصادی، اشتراکات فرهنگی و مذهبی و همچنین موقعیت ویژه منطقه‌ای می‌تواند نقش برجسته‌ای در رشد و توسعه اقتصادی عراق جدید ایفاء نماید. از سوی دیگر، ظرفیت‌های بالقوه اقتصاد عراق جهت گسترش تبادلات با همسایگان، زمینه‌های فرصت‌سازی برای ایران را فراهم می‌کند.

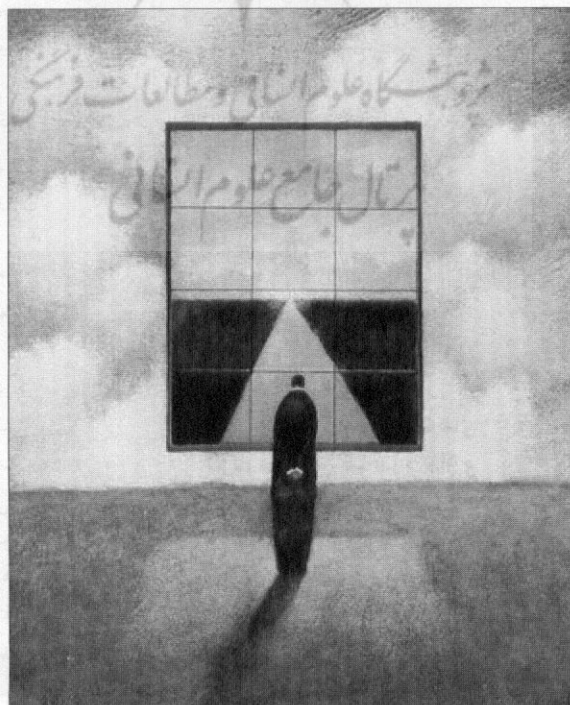
هم‌اکنون حجم تبادلات اقتصادی بین ایران و عراق اندک است. دلیل این امر از یک سو نبود استراتژی کلان ایران برای مشارکت در بازارهای اقتصادی عراق و از سوی دیگر ناامنی و بی‌ثباتی در آن کشور است که دست شرکت‌های ایرانی را برای مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و کلان در عراق را می‌بندد. با این وجود، حوزه صادرات حائز اهمیت خاصی برای بازرگانان ایرانی است؛ به طوری که حجم قابل توجهی از نیازهای روزمره و داخلی عراق به وسیله کالاهای ایرانی تأمین می‌شود.

در سال ۲۰۰۳، ارزش کل صادرات ایران به عراق ۷۱۸ میلیون دلار بود که حدود ۵۳ درصد (کمتر از یک درصد) تولید ناخالص داخلی ایران است. در همان سال صادرات عراق به ایران نیز که عمدتاً شامل صادرات مجدد کالاهای خارجی از خاک عراق می‌شدند، بالغ بر ۲۵ میلیون دلار بود. طبق آمار گمرک ایران، مواد غذایی و منسوجات به ترتیب ۳۱ و ۲۹ درصد صادرات ایران را به عراق تشکیل می‌دهند. هر چند انتظار می‌رود که با بهبود شرایط و گذشت زمان، حجم مبادلات اقتصادی بین دو کشور به یک میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ برسد، اما با توجه به ظرفیت‌های بالای اقتصاد عراق همچنان حجم مبادلات، محدود و با شرایط ایده‌آل فاصله زیادی دارد.

۴- زمینه‌های بالقوه فرصت‌سازی اقتصادی ایران در عراق جدید

الف. بازسازی و ساخت کارخانه‌های برق و تولید انرژی

ایران توانایی، ظرفیت و تجربه لازم را برای گسترش فعالیت و فرصت‌سازی اقتصادی در بخش زیرساختی عراق داراست. از مهمترین این



توجه به نیاز شدید عراق به بازسازی خطوط آهن قدیمی و راه‌های زمینی ارتباطی که در برنامه توسعه ملی این کشور به آن توجه ویژه‌ای شده است، نقش ایران در ارائه سرمایه‌گذاری‌های لازم، خدمات مهندسی و تکنولوژی بسیار مهم است.

● بازسازی و ساخت پالایشگاه‌های نفت و پتروشیمی این امر خصوصاً با توجه به نیاز شدید عراق به واردات فراورده‌های نفتی اهمیت بیشتری می‌یابد. در سال ۲۰۰۵ ظرفیت کل نه پالایشگاه نفت عراق، ۵۸۷ هزار بشکه در روز بود. با این حجم، عراق مجبور به واردات ۲۰۰ هزار بشکه از محصولات پالایش شده برای رفع نیازهای داخلی خود در ژانویه ۲۰۰۶ بوده است. هم‌اکنون عدم تعادل بین ظرفیت پالایشگاه‌ها و مصارف روزافزون داخلی، عراق را مجبور به واردات ۸۰ درصد LPG مورد نیاز، ۷۴ درصد گازوئیل، ۴۹ درصد نفت سفید و ۴۶ درصد مصرف دیزل داخلی می‌کند. هزینه چنین وارداتی برای عراق در سال ۲۰۰۵ به تنهایی ۶ میلیارد دلار بوده است. با توجه به نیازهای روزافزون عراق به واردات فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی، استفاده از ظرفیت‌های اضافی ایران برای پرکردن خلأ موجود یکی از زمینه‌های مهم فرصت‌سازی اقتصادی ایران به حساب می‌آید.

● ساخت کارخانه‌های سیمان و مواد ساختمانی سرمایه‌گذاری در این بخش با توجه به نیاز فراوان عراق به سیمان و موارد ساختمانی در بازسازی کشور بسیار اهمیت دارد. از آغاز بحران در عراق نیز، صدور سیمان و مواد ساختمانی از قبیل سرامیک، کاشی، سنگ و ... یکی از زمینه‌های مهم فعالیت اقتصادی برای بازرگانان ایرانی بوده است. با توجه به برخورداری ایران از این تکنولوژی و تجربه لازم در این بخش، که به خصوص در طول سه دهه گذشته از مرز خودکفایی گذشته و به مرحله صدور رسیده است، استفاده از ظرفیت‌های مازاد ایران برای سرمایه‌گذاری در این زمینه حائز اهمیت زیادی است.

در کنار بخش‌های مهم فوق، حوزه‌های دیگر فعالیت اقتصادی ایران در عراق همچون فعالیت در بخش ارتباطات تلفنی، بخش خدمات فرودگاهی و بنادر، بخش گمرکات، اعزام متخصصان ایرانی در زمینه فعالیت‌های مهندسی و کامپیوتر، بانکداری، پزشکی، کشاورزی و سیستم‌های آبیاری، بیمه و ... نیز وجود دارند. بی‌تردید استفاده از زمینه‌های فوق نیازمند یک استراتژی نظام‌مند، با در نظر گرفتن اهداف میان‌مدت و بلندمدت است.

بی‌تردید حضور بازیگران رقیب، مانع اصلی در گسترش فرصت‌سازی اقتصادی ایران در آینده به شمار می‌آید

در حال حاضر، فعالیت‌های ایران تنها محدود به بخش صادرات و تجارت در طول مرزها می‌گردد. این در حالی است که دو کشور ظرفیت‌های بالقوه فراوانی برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی و تبادل تجاری دارند.

مسئله مهم دیگر که زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی ایران را در عراق فراهم می‌سازد، تعریف جدید از توقعات و تقاضاهای اقتصادی گروه‌های سیاسی و قومی عراق و مزیت ایران در کار کردن با این گروه‌ها به دلیل اشتراکات فرهنگی و مذهبی است. بی‌تردید با انجام تحولات سیاسی جدید، حاکمیت عراق بیشتر محلی و فدرالی شده است. این امر نقش مهمی در شکل‌گیری و رشد روزافزون توقعات جدید اقتصادی مردم عراق دارد. به طوری که سه گروه بزرگ قومی - نژادی عراق شامل شیعیان، کردها و سنی‌ها تعاریف

شرکت‌های آمریکایی در بخش نفت و گاز و شرکت‌های ترک در بخش ساخت و ساز و مواد غذایی از جمله موفق‌ترین شرکت‌های فعال خارجی به حساب می‌آیند

جدیدی از توقعات اقتصادی و سیاسی و نقش تقاضاهای خود در عراق جدید ارائه می‌دهند. فرصت‌سازی اقتصادی ایران در شرایط جدید در قالب شناسایی فرصت‌های بالقوه و تقاضاهای ویژه هر یک از گروه‌های فوق به خصوص شیعیان و کردها حائز اهمیت زیادی است.

شیعیان ۶۰ درصد جمعیت عراق را شامل می‌شوند، لذا حجم وسیعی از تبادلات اقتصادی، بازار و مصرف داخلی عراق جدید را تشکیل می‌دهند. در طول سه دهه گذشته و به دلیل شرایط جنگی و سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم بعثی، زیرساخت‌های اقتصادی مناطق شیعه‌نشین کاملاً نابود گردیده است. یک بررسی برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) نشان می‌دهد که مناطق شیعه‌نشین عراق از لحاظ استانداردهای زندگی در وضعیت به مراتب بدتری در مقایسه با مناطق کردنشین و سنی‌نشین قرار دارند. این در حالی است که دو سوم تولید و صدور نفت عراق در این مناطق صورت می‌گیرد. در شرایط جدید، برخلاف گذشته، شیعیان از سهم مناسب قدرت در حاکمیت عراق برخوردارند و لذا زمینه‌های لازم را برای تعریف توقعات اقتصادی و فراهم آوردن شرایط بهتر زندگی دارند. در این زمینه نقش ایران در فرصت‌سازی اقتصادی به دلیل سابقه روابط و پیوستگی و تشابهات فرهنگی حائز اهمیت فراوانی است. هم‌اکنون بسیاری از کالاهای ایرانی با استقبال مشتریان و مصرف‌کنندگان در مناطق شیعی روبرو هستند. نقاط مرزی شلمچه و خسروی نیز خطوط اتصال اقتصاد دو طرف به حساب می‌آیند.

تقویت زمینه‌های فرصت‌سازی اقتصادی ایران در مناطق کردنشین عراق نیز بسیار مهم است. کردستان عراق حدود ۱۷ درصد جمعیت عراق را شامل می‌شود و از سال ۱۹۹۱ از خودمختاری قابل توجهی در ایجاد روابط اقتصادی مستقل با همسایگان خود برخوردار بوده است. بررسی یک گزارش UNDP نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی سه استان کردنشین عراق از لحاظ شرایط عمومی زندگی بهتر از سایر مناطق عراق است. وجود ثبات و امنیت نسبی در مناطق کردنشین اقتصاد این منطقه را پویا کرده است. از این زاویه نقش ایران در توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری در مناطق کردنشین حائز اهمیت زیادی است. عمده تجارت و فعالیت‌های اقتصادی در طول مرزها و به صورت تجارت پیمانه روی و سنتی در شعاع مناطق اطراف سلیمانیه (عراق) و سنج و مهران (ایران) است. بی‌تردید شرایط جدید، استفاده از حجم و سهم بیشتری از تبادلات اقتصادی بین دو طرف را ضروری می‌سازد. ●



بررسی خطوط کلی و رویکردهای مهم سیاست درهای باز چین

نسل سوم و سیاست‌هایی از نوع سوم

مرتضی خلج

سیر تحولات چین در تاریخ معاصر آن کشور از نظر جهانیان شگفتی‌آفرین و جالب توجه است. در واقع تغییر و تحولاتی که ظرف فریب به سه دهه گذشته در این کشور رخ داده است، و رشد اقتصادی شگرف چین در رأس آن‌ها قرار داد، موقعیت ویژه‌ای به جایگاه آن کشور بعنوان یک بازیگر مهم و مؤثر بین‌المللی بخشیده است. این موقعیت جدید چین تا بدان حد از اهمیت برخوردار است که تقریباً هیچ تحلیلگر مطرح بین‌المللی را نمی‌توان یافت که در پیش‌بینی تحولات و تجزیه و تحلیل آینده روابط بین‌الملل کشور چین و جایگاه ویژه آن را نادیده بگیرد. به همین علت نیز هست که مطالعه و بررسی تحولات اخیر این کشور و بازشناسی علل و عواملی که موجب این تغییرات شده است برای علاقه‌مندان حوزه روابط بین‌الملل در خور توجه بسیار است.

در این نوشتار به بررسی خطوط کلی و رویکردهای مهم سیاست درهای باز چین از زمان آغاز اصلاحات در سال ۱۹۷۸، با تمرکز بر سیاست خارجی آن کشور پرداخته شده است. موفقیت‌های اقتصادی چین در دوره اصلاحات عده‌ای از صاحب‌نظران کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، را بر آن داشته است تا ضمن تحسین الگوی توسعه چینی آن را قابل اقتباس بدانند و به توصیه این الگو بپردازند. این موضوع نیز در پایان این نوشتار بررسی خواهد شد.

سال‌های آخر دهه ۱۹۷۰ کشور بزرگ چین پس از گذر از یک دوره سیاسی پرتلاطم، مرگ مائو رهبر بلامنازع آن کشور، جنگ قدرت میان سران و گروه‌های قدرتمند درون حزب کمونیست و حذف باند تندروی چهار نفره، به ثبات و آرامشی نسبی دست یافت. در این دوره دنگ شیائو پینگ، که با وجود پیشینه هم‌زیمی با مائو و انقلابیون نسل اول چین به دفعات به اتهام گرایش‌های تجدیدنظرطلبانه در مرام کمونیستی مائو متهم گردیده بود، موفق شد با تضعیف و حذف رقبای خود در درون حزب کمونیست و ارتش برای اولین بار سرنوشت اداره کشور را به دست بگیرد و دیدگاه‌ها و نظرات خود را در باره اداره کشور بزرگ چین به محک آزمایش بگذارد. ثبات و آرامش سیاسی نسبی به وجود آمده در فضای داخلی چین و تثبیت قدرت دنگ شیائو پینگ فرصتی را فراهم آورد تا هیران و نخبگان سیاسی جدید موضوع بازاندیشی در تعیین اولویت‌های مربوط به اهداف ملی و تعریف مؤلفه‌های اصلی مربوط به امنیت ملی کشور و همچنین تدوین استراتژی مناسب برای تحقق این اهداف را یکبار دیگر در کانون توجه خود قرار دهند و دیدگاه‌های مختلفی را در این خصوص مطرح کنند.

رهبران تازه به قدرت رسیده پکن در جمع بندی مباحثات مربوط به اهداف و استراتژی ملی کشور در ربع آخر قرن ۲۰ و شروع قرن ۲۱ به این نتیجه رسیدند که شرایط ژئوپلیتیک چین و چگونگی اوضاع بین‌المللی

شایان ذکر است که نگرش تاریخی به تحولات چین نشان می‌دهد که چرا حفظ نظم و رفاه داخلی، تضمین توانایی‌های دفاعی و نفوذ در پیرامون، همیشه در اولویت اهداف ملی و استراتژی‌های امنیتی آن کشور قرار داشته است.

کنگره پانزدهم حزب کمونیست
در سال ۱۹۹۷ با حاکمیت مطلق جیانگ زمین
(۱) متوسط سن اعضای کمیته مرکزی حزب ۱۰ سال
جوانتر از کنگره دوازدهم
(۲) ۷۰ درصد اعضای دفتر سیاسی حزب تحصیلات عالی و دانشگاهی داشتند
(۳) بیش از ۵۰ درصد از اعضای دفتر سیاسی حزب بعد از تشکیل جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ به حزب کمونیست چین پیوسته بودند
(۴) تقریباً تمامی اعضای دفتر سیاسی حزب (به جز یک نفر) حداقل یک زبان خارجی می‌دانستند.

کنگره دوازدهم حزب کمونیست
در سال ۱۹۸۲ با حاکمیت مطلق دنگ شیائو پینگ
(۱) متوسط سن اعضای کمیته مرکزی حزب ۱۰ سال
پیرتر
(۲) هیچیک از اعضای دفتر سیاسی حزب تحصیلات عالی و دانشگاهی نداشتند
(۳) سابقه عضویت اکثریت قریب به اتفاق اعضای دفتر سیاسی حزب به قبل از تشکیل جمهوری خلق چین بازمی‌گشت
(۴) تعداد اندکی از اعضای دفتر سیاسی حزب با یک زبان خارجی آشنایی داشتند.

ژئوپلیتیک و مطالعات فریبکی